והמשכילים יזהירו כזהר הרקיע ומצדיקי

זהר על התורה

מהתנא האלהי

רבי שמעון בן יוחאי זלה"ה

חלק רביעי ספר במדבר

زُوهر

کتاب روشنایی

گرشوم جی. شولم (انتخاب و ترجمه از متن آرامی به انگلیسی)

مترجم: هما شهرام‌بخت

פה ליוורנו יע"א

שנת אתה תאיר נרי לפ"ק

נדפוס שלמה בילפורטי והברו פו"מ

והמשכילים יזהירו כזהר הרקיע ומצדיקי

به نام خدا

ناشر برگزیدهٔ
هفدهمین، بیستمین، بیست‌ودومین،
بیست‌وسومین و بیست‌وچهارمین
نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران

زوهر

کتاب روشنایی

گرشوم جی. شولم

(انتخاب و ترجمه از متن آرامی به انگلیسی)

مترجم: هما شهرام‌بخت

۱۳۹۷

سرشناسه: شولم، گرشوم، ۱۸۹۷ - ۱۹۸۲م. Scholem, Gershom
عنوان و نام پدیدآور: زوهر؛ کتاب روشنایی / گرشوم جی. شولم؛ مترجم: هما شهرام‌بخت.
مشخصات نشر: تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری: سی‌وچهار، ۱۵۳ ص.
شابک: ۲-۵۸۰-۴۳۶-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا
عنوان قراردادی: زوهر، شرح Zohar, Commentaries
موضوع: کتاب مقدس، اسفار پنجگانه -- تفسیر
موضوع: Bible, Pentateuch -- Commentaries
موضوع: زوهر -- نقد و تفسیر
موضوع: Zohar -- Criticism, Interpretation, etc.
موضوع: قباله (عرفان یهودی) -- متون قدیمی تا ۱۸۰۰ م.
موضوع: Cabala -- Early Works to 1800
شناسهٔ افزوده: شهرام‌بخت، هما، ۱۳۵۳- ، مترجم
شناسهٔ افزوده: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
شناسهٔ افزوده: Elmi - Farhangi Publishing Co.
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۷ ۹ز۹ش/۷۲۳ BM
رده‌بندی دیویی: ۲۹۶/۱۶
شمارهٔ کتابشناسی ملی: ۵۱۱۴۴۴۹

زوهر

کتاب روشنایی

گرشوم جی. شولم

(انتخاب و ترجمه از متن آرامی به انگلیسی)

مترجم: هما شهرام‌بخت

چاپ نخست: ۱۳۹۷

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

حروفچینی و آماده‌سازی: انتشارات علمی و فرهنگی

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: شرکت چاپ و نشر علمی و فرهنگی کتیبه

حق چاپ محفوظ است.

انتشارات
علمی‌وفرهنگی

ادارهٔ مرکزی و مرکز پخش: خیابان نلسون ماندلا (افریقا)، چهارراه حقانی(جهان کودک)، کوچهٔ کمان، پلاک ۲۵؛ کدپستی:۱۵۱۸۷۳۶۳۱۳؛ صندوق‌پستی: ۹۶۴۷ ـ ۱۵۸۷۵؛ تلفن ادارهٔ مرکزی: ۷۰ـ ۸۸۷۷۴۵۶۹؛ فکس:۸۸۷۷۴۵۷۲؛ تلفن مرکز پخش: ۲۹ـ ۸۸۶۶۵۷۲۸ ؛ تلفکس: ۴۵ـ ۸۸۶۷۷۵۴۴
آدرس اینترنتی: info@elmifarhangi.ir www.elmifarhangi.ir
وب‌سایت فروش آنلاین: www.farhangishop.com
فروشگاه مرکزی (پرندهٔ آبی): خیابان نلسون ماندلا (افریقا)، بین بلوار گلشهر و ناهید، کوچهٔ گلفام، پلاک ۷۲؛ تلفن: ۳-۲۲۰۲۴۱۴۰
فروشگاه یک: خیابان انقلاب، روبه‌روی در اصلی دانشگاه تهران؛ تلفن: ۱۶ـ ۶۶۹۶۳۸۱۵ و ۶۶۴۰۰۷۸۶
فروشگاه دو: میدان هفت‌تیر، خیابان کریمخان زند، بین قائم مقام فراهانی و خردمند، پلاک ۱۳؛ تلفن: ۷-۸۸۳۴۳۸۰۶
فروشگاه سه: خیابان کارگر شمالی، روبه‌روی پارک لاله، نبش کوچهٔ ستاره، نمایشگاه و فروشگاه محصولات فرهنگی سازمان تأمین اجتماعی، پلاک ۱

فهرست مطالب

مقدمهٔ مترجم ..... هفت
۱. سیر تاریخی زُوهر ..... هفت
۲. تمثیل گرایی زُوهر ..... یازده
مقدمه ..... نوزده

بِرِشیت (سفر پیدایش) ۱
آغاز ۱
جهان: پوسته و مغز ۲
نور نخستین ۳
آفرینش انسان ۵
زن و مرد ۸
آتش بلعنده ۱۲
رحلت ۱۵
سه لایهٔ روح ۱۶
بالاترین مرتبهٔ ایمان ۱۷
نیمه‌شب ۱۹
برکت یَعقُوبْ (یعقوب نبی) ۲۲
بهتر از یوسف ۲۴

ضیافت باشکوه ۲۶
مرگ یَعقُوبْ ۳۳
خاتمی بر دل ۴۴

شِمُوت (سفر خروج) ۴۹
ده سفیرُوت ۴۹
فراتر از اعماق ۵۴
دو بعد ۵۵
شبّات ۵۵
عاشقان تُورا ۵۹
سرنوشت روح ۶۳
مصائب کودکان بی گناه ۶۶
سه بعد روح ۶۸
با شادمانی به خداوند خدمت کردن ۶۹
ستاره‌ها ۷۱
شرح تمثیلی داستان یُونا (یونس) ۷۴

اسفار قُهِلت (لاویان)، بَمیدبار (اعداد)، دِواریم (تثنیه) ۷۹
تبعید و رستگاری ۷۹
چگونه در محضر خداوند بودن ۸۲
سرودخوانی در آسمان ۸۴
جامعهٔ مقدس ۸۵
عشق خداوند ۸۶
نرگس شارون ۸۸
درخت زندگی ۸۸
معنای پنهان تُورا ۹۰

پی‌نوشت‌ها ۹۳
مآخذ پی‌نوشت‌ها ۱۴۵
اصطلاحات عبری ۱۴۹

مقدمهٔ مترجم

۱. سیر تاریخی زُوهر

واژهٔ «زُوهر» که نام بنیادی‌ترین کتاب ادبیات تفکر عرفانی قبالاست در کتاب مقدس و در رؤیای یِحِزقِل (حزقیال)، بخش هشتم و آیهٔ دوم آمده و به معنای نور و روشنایی است. این اثر، خود، مجموعه‌ای از کتاب‌هایی است که تفاسیری بر جنبه‌های عرفانی تُورا هستند. قبالایی‌ها معتقدند که کلمات کتاب مقدس نه تنها دربردارندهٔ پیامی الهی است که پیامی فراتر از آن را نیز نشان می‌دهد. تفسیر کتاب مقدسی زُوهر شکلی رازورزانه از ادبیات حاخامی است و به زبان آرامی والا به نگارش درآمده است. زبان آرامی زبان دورهٔ معبد دوم (۵۳۹ قبل از میلاد تا هفتاد میلادی) و زبان اصلی بخش‌های وسیعی از کتاب‌های دانیِئِل (دانیال) و عزرا در کتاب مقدس و زبان اصلی تلمود بوده است.

زُوهر نخستین بار در اسپانیا پدیدار گردید، اما حقیقت این است که کتاب زُوهر را یک عارف یهودی اسپانیایی به نام مُشه لئونی[1] به

---

۱. Moses de León: مُشه لئونی در شهر لئون اسپانیا به دنیا آمد و نام خانوادگی او از پدرش (Shem-Tov de León) به او رسید. او بعدها به گوادالاخارا، دلدولید و آویلا نقل مکان کرد.

رشتهٔ تحریر درآورد. اینکه او نویسندهٔ واقعی زُوهر است بعدها اثبات شد، زیرا او در دوره‌ای که این کتاب را به منصهٔ ظهور درآورد ادعا کرد صرفاً از کتاب کهن حاخام شیمعون بن یوحای، حاخام قرن دوم میلادی، رونویسی کرده است. بر طبق اساطیر یهود، حاخام شیمعون برای فرار از آزار و ایذای رومیان سیزده سال در غاری در ییسرائل پنهان شد. در این مدت، او به مطالعهٔ تُورا اشتغال داشت و الیاهو (الیاس) زُوهر را به او تعلیم داد.

پس از مرگ وی، این کتاب پنهان گشت و مطالب آن به طور محرمانه از استاد به شاگرد منتقل شد. گفته می‌شود که در همان دوران بود که این کتاب از ییسرائل به کاتالونیا[1] در شمال شرق اسپانیا فرستاده شد و سپس به دست مُشه لئونی، اهل گوآدالاخارا[2]، رسید. مُشه لئونی نیز بخش‌هایی از آن را رونویسی کرد و در اختیار عموم قرار داد.

اما چندی نگذشت که حقیقت آشکار شد. در سال ۱۳۰۵، شخصی به نام ییصحاق بن ساموئل[3] به شهر تولدو[4] رفت. او که اهل عکّا[5] در ییسرائل بود از شنیدن وجود میدراش کهن، اثر حاخام شیمعون، حیرت کرد. زیرا کتاب شیمعون بن یوحای نیز احتمالاً در اسرائیل به نگارش درآمده بود و شخصی به نام مُشه لئونی از روی آن نسخه‌برداری و آن را پخش کرده بود. ییصحاق بن ساموئل بر آن شد که ناسخ کتاب را ببیند. پس مُشه لئونی را ملاقات کرد و مُشه لئونی او را به شهر خود، آویلا، دعوت کرد تا بلکه آن کتاب کهن را از نزدیک ببیند، اما وقتی آن دو از هم جدا شدند، مُشه در راه بازگشت به شهر خویش بیمار شد و درگذشت. ییصحاق با شنیدن این خبر بلافاصله به آویلا رفت تا دربارهٔ نویسندهٔ این کتاب تحقیق کند، اما همسر مُشه لئونی در ملاقات با

---

1. Catalonia
2. Guadalajara
3. Issac son of Samuel
4. Toledo
5. Acre

او اعتراف کرد که نسخهٔ کهنی در کار نبوده و شوهرش خود نویسندهٔ اصلی آن میدراش کهن بوده است.

در هر صورت چندی نگذشت که این داستان از خاطرها فراموش شد و کتاب زُوهر به قلم شیمعون بن یوحای مقبولیتی عام یافت و در نیمهٔ قرن شانزدهم همپایهٔ کتاب مقدس و تلمود قرار گرفت و این عمومیت تا آنجا پیش رفت که یهودیان مشرق زمین برخی از ادعیهٔ آن را زمزمه می‌کردند.

وقتی خوانندهٔ مشتاق درمی‌یابد که زُوهر را فردی غیر از حاخام شیمعون بن یوحای تألیف کرده، دوست دارد به ماهیت نویسندهٔ حقیقی پی ببرد. حقیقت این است که به سختی می‌توان به واقعیت زندگی مُشه لئونی پی برد، اما آنچه دربارهٔ او آشکار است علاقهٔ او به فلسفه، ادبیات حاخامی و سپس عرفان قبالاست (همان طور که در مقدمهٔ شولم بر این کتاب نیز آمده، او درسال ۱۲۶۴ به مطالعهٔ فلسفه اشتغال داشت، زیرا در آن سال کتاب دلالة الحائرین ابن میمون «برای حاخام مُشه لئونی عالم رونویسی شد»).

اما در زمان مُشه لئونی قبالا به معنای علوم خفیه، عرفان و ادبیات عرفانی بود. در این زمان که اوج فراگیری قبالا در اسپانیا بود، او توانست با برخی از قبالایی‌ها و کتاب باهیر[1] آشنا شود.

بدین ترتیب او با مطالعهٔ کتاب باهیر تحت تأثیر واژه‌های ان سُوف[2] و سفیرُوت قرار گرفت و آن‌ها را به طور وسیعی در اثر خود به کار برد و بدین شکل نگارش زُوهر و دیگر آثار خود را آغاز کرد. مُشه لئونی از سال ۱۲۸۶ تا هنگام مرگش درسال ۱۳۰۵ کتاب‌های دیگری را با نام خود و به زبان عبری به رشتهٔ تحریر درآورد.

زُوهر از بخش‌های گوناگون تشکیل شده است. مُشه لئونی میدراش هَنعِلام یا میدراش پنهان را که نخستین بخش زُوهر است به زبان‌های

1. *Bahir*

2. eyn sof

آرامـــی و عبری تحریر کرد. این کتاب تفســیری بــر بخش‌های تُوراو کتاب روت اســت. مُشه لئونی، بین سال‌های ۱۲۸۰ تا ۱۲۸۶، بخش‌های اصلی زُوهر را تألیف کرد. این تألیف تفسیرِ عرفانی مغشوشی بر تُورابود که از شماری از آثار ادبی مجزا تشکیل شده بود.

وقتــی زُوهر در قرن شــانزدهم برای اولین بار در ایتالیا چاپ شــد، ناشــران مجبور شدند، برای به دســت آمدن متنی کامل، چندین نسخهٔ خطی را با هم ادغام کنند.

زُوهر اشــخاص دیگری را نیز تحت تأثیر خود قرار داد و آن‌ها را بر آن داشــت تا از این سبک نوشتاری تقلید کنند و میدراش‌های دیگری را تألیف نمایند. رَعیا مِهَمنا و تیقونِه زُوهر در پایان قرن سیزدهم یا اوایل قرن چهاردهم به رشــتهٔ تحریر درآمدند و به بخشــی از ادبیات زُوهری تبدیل شدند.

به‌تدریج قدمــت زُوهر نزد همگان پذیرفته شــد و در ســال ۱۴۹۲ زُوهــر تبدیل به کتاب مقدس یهودیان و به‌خصــوص قبالاییان گردید. مُشــه کوردورو[1] یکی از قبالایی‌هایی بود که تفسیری بر زُوهر نوشت و ییصحاق لوریا[2] نظام نوین قبالا را که بر اساس بخش‌های خاصی از زُوهر بود بسط داد.

با پیشــرفت صنعت چاپ، زُوهر در دســترس همگان قرار گرفت و توانســت توجه مســیحیان را به خود جلب کند. در پایان قرن پانزدهم، پیکو دلا میراندولا[3] و یوهان روشــلین[4] جذب قبالا شــدند. آنان معتقد بودند که زُوهر دربردارندهٔ وحی الهی نخستین است و معنای پنهان آن با اسرار دین مسیحیت منطبق است. در نیمهٔ نخستین قرن شانزدهم، گیوم پاستل[5] زُوهر را به لاتین ترجمه کرد.

---

1. Moses Cordovero
2. Issac Luria
3. Pico della Mirandola
4. Johannes Reuchlin
5. Guillaume Pastel

قبالای مسیحی حاخامی ایتالیایی به نام لئون مودنا[1] را بر آن داشت تا در سال ۱۶۳۹ ادعا کند که زُوهر اثر شیمعون بن یوخای نیست و به دو یا سه قرن پیش تعلق دارد، اما نهضت شبتای صوی[2] زُوهر را تأیید کرد. در حالی که یَعْقُووْ عِمدن[3] با چاپ اثری بیان کرد که زُوهر با داشتن اصلی کهن اثری کهن نیست. کار عِمدن باعث تحقیق وسیع‌تر آدولف جلینِک[4] شد. او اثبات کرد اگر مُشه لئونی کل کتاب زُوهر را تألیف نکرده، حداقل مؤلف بخشی از آن است.

با این پشتوانه، گرتس[5] زُوهر را «کتاب اکاذیب» نامید و ادعا کرد که خیال‌پردازی و تمثیلات آن یهودیان را نسبت به نور حقیقت مستدل کور کرده و مُشه لئونی جاعلی فریبکار است.

اما پژوهش گرشوم شولم نشان داد که قبالا جزء اساسی تفکر و تاریخ یهود است و مُشه لئونی نه یک جاعل که نویسنده‌ای خلاق بوده است. شولم بیان کرد که زُوهر از مکتب نوافلاطونی یهودی قرون وسطا و مکتب گنوسی بسیار تأثیر پذیرفته است.

بعدها دانشجوی شولم، یِشعیا تیشبی[6]، تحقیق دربارهٔ زُوهر را پیش برد. [۱]

در حال حاضر، دانیئِل سی. مت[7]، به تشویق شولم، در حال ترجمهٔ زُوهر از منابع کهن و دست‌نوشته‌هاست و نهمین جلد از این کتاب را با تصحیحی انتقادی از آرامی به انگلیسی ترجمه کرده است. [۲]

۲. تمثیل گرایی زُوهر

زُوهر کتابی است که مردمان قرن‌ها بدان توجه کرده و آن را اثری کهن و وحیانی دانسته و ادعیهٔ آن را هر روز زمزمه کرده‌اند. با آنکه زُوهر

---

1. Leone Modena
2. Shabbetai Zevi
3. Jacob Emden
4. Adolf Jellinek
5. Heinrich Graetz
6. Isaiah Tishby
7. Daniel C. Matt

به مسائلی همچون عرفان، ذات الوهیت، ساختار جهان، ذات و اصل روح، رستگاری و رابطهٔ بین نفس با تاریکی پرداخته است، اساس کار آن تفسیر تُوراست. پس این مقدمه به شیوه و نوع تفسیری می‌پردازد که زُوهر از تُوراداشته است. [۳] باید توجه داشت که مُشه لئونی در تحریر زُوهر، تلمود و میدراش‌های کهن را پیش روی خود داشته و در عین حال به جریانات عرفانی و گنوسی دورهٔ خود نیز گوشهٔ چشمی داشته است. از این رو حاصل کار او اثری است که به منظور تفسیر تُوراز تمامی روش‌های کهن و معاصر خود استفاده کرده است. لئونی برای این کار چهار سطح معنایی یا تأویلی در نظر گرفت که اصطلاحاً به آن پردِس[1] گفته می‌شود. پردِس حروف نخستین چهار کلمهٔ پِشاط (פשט) (تفسیر ادبی)، رِمِز (רמז) (معنای استعاری)، داراش {دِرَش} (דרש) (معنای تلمودی و اَگادایی) و سُود (סוד) (معنای درونی و باطنی) است. زُوهر این شکل اقتباسی را از فرقهٔ اسماعیلیه که برای تأویل و تفسیر قرآن دو جنبهٔ ظاهری و باطنی قائل بودند اخذ کرده و نویسندهٔ زُوهر این دو سطح را به چهار سطح معنایی فوق بسط داده است. [۴] بدین ترتیب زُوهر از صنایع بدیعی همچون تشبیه، استعاره، تمثیل، صنایع کلامی و تصویرپردازی بسیار استفاده کرده و مقصود خود را در قالب‌های ادبی داستان، مکالمه، شخصیت‌پردازی و زاویهٔ دید به تصویر کشیده است، اما آنچه در ذیل می‌آید صرفاً اشاره به برخی معناهای استعاری و تلمودی است.

مهم‌ترین روشی که زُوهر بسیار از آن استفاده می‌کند رِمِز یا روش استعاری است. در این روش است که به اِن سُوف (אין סוף) و ده سفیرُوت (ספירות) (جمع سفیرا) (ספירה) اشاره شده و تُورادر سایهٔ آن‌ها تفسیر شده است. اِن سُوف واژه‌ای برای خداوند و به معنای لایتناهی است. این واژه در عبری به معنای بی‌پایان است و از اِن سُوف است که خلقت سفیرُوت آغاز می‌گردد. سفیرُوت از نمادهایی تشکیل شده

1. Pardes

است که اساس و جوهر قبالا را تشکیل می‌دهند و نشان‌دهندهٔ راز خلقت و رابطهٔ آن با خداوند هستند. سفیرُوت اغلب به صورت انسان اولیه (آدم قَدمون) یا درخت کیهانی به تصویر درمی‌آید که از پایین و از ریشه‌هایش به سوی بالا رشد می‌کند. آن‌ها نمادهایی هستند که نباید به صورت تحت‌اللفظی معنا شوند و نماد نیز هیچ‌گاه به این صورت معنا نمی‌شود. بررسی سفیرُوت از بالا به پایین راز چگونگی خلقت را به نمایش درمی‌آورد. واژهٔ سفیرُوت اساساً به معنای اعداد یا قوای عددی است و مراحل گوناگون تجلی و ظهور امر الهی است که در ادامهٔ هم هستند و یکدیگر را تکمیل می‌کنند. [۵] اِن سُوف و سفیرُوت در ارتباطی تنگاتنگ با یکدیگر هستند. از این روست که قبالاییان بر آن‌اند که اِن سُوف و سفیرُوت «همانند شعله‌ای که به ذغال وابسته است» با هم یکی هستند و تفرقی بین آن‌ها وجود ندارد. در واقع، اِن سُوف و ده سفیرُوت یکی هستند و در نهایت آنچه می‌ماند حقیقت لایتناهی اِن سُوف است.

نخستین سفیرا کِتِر (تاج) (כתר) نام دارد و همانند اِن سُوف لایتناهی است. [۶] کِتِر بیانگر آن جنبه از الوهیت است که روی به سوی تجلی دارد و در عین حال هیچ تفرد و تشخصی ندارد. تمام تجلیات از این سفیرا جریان می‌یابد. از این رو می‌توان گفت که حُخما (حکمت) (חכמה) که دومین سفیراست نقطهٔ اولیه‌ای است که از کِتِر می‌درخشد. از آنجا که کِتِر جاودان است و آغازی ندارد، حُخما آغاز نامیده می‌شود. این سفیرا واسطهٔ بین وجود و لاوجود است و به صورت یک دایره گسترده می‌شود و در اطراف خود قصری می‌سازد که سفیرای بینا (بصیرت، عقل) (בינה) نام دارد. از این سفیرا که رحم و مادر الهی نامیده می‌شود، جویبارهایی جریان می‌یابند که سفیراهای بعدی هستند. در واقع، بینا از حُخما باردار می‌شود و هفت سفیرُوت پایینی را به دنیا می‌آورد. همچنین گفته می‌شود که بینا ریشه‌های درختی است که به‌وسیلهٔ حکمت (حُخما) آبیاری می‌شود و هفت سفیرُوت بعدی به

صورت شاخه از آن جوانه می‌زنند. [۷] آن منشأ و منبع تمام موجودات خلق‌شده است. شکل قرار گرفتن این ده سفیرُوت به صورت انسان یا درختی سر و ته است. سه سفیرُوت بالایی سر جسم الهی هستند. بینا حِسِد (חסד) و دین (דין) را به دنیا می‌آورد. حِسِد به معنای عشق و دین به معنای قضاوت است. آن‌ها گِدوولا (عظمت) (גדולה) و گِوورا (قدرت) (גבורה) نیز نامیده می‌شوند. آن‌ها بازوان راست و چپ خداوند هستند. گوورا، دین، نمادی برای ییصحاق و قضاوت سخت و حِسِد، گدوولا، نمادی برای اَوْراهام و عشق است. از این روست که وجود هر دوی آن‌ها برای برقرار ماندن دنیا لازم است؛ در غیر این صورت، سیترا احرأ (סטרא אחרא) دنیا را نابود خواهد کرد. در عین حال این (تیفئِرت) (תפארת) (زیبایی) یا رَحَ میم (شفقت) (רחמים) است که توازن و هماهنگی را در دنیا به وجود می‌آورد. او تنهٔ درخت سفیرُوتی است و بهشت نامیده می‌شود. تیفئِرت پسر حُخما و بیناست. نِصَح (شکیبایی) (נצח) و هُد (جلال) (הוד) شاخه‌های راست و چپ این درخت هستند و منبع پیشگویی و وحی‌اند. یِسُود (יסוד) یا یِسُود عُلام (شالودهٔ دنیا) (יסוד עולם) نهمین سفیراست و نمادی برای زایندگی. از قرن سیزدهم، سفیرای جدیدی به نام دَعَت (دانش) (דעת) به وجود آمد که بین دو سفیرُوت بینا و حُخما قرار می‌گیرد و جنبهٔ بیرونی کِتِر را نشان می‌دهد. آیهٔ یازدهم از سورهٔ بیست‌ونهم دیوْرِه هَیامیم آلِف (کتاب اول تواریخ ایام) به این ترتیب به سفیرُوت اشاره دارد: «و ای خداوند، عظمت و جبروت و جلال و قوت بخشیدن به همه کس در دست تو است...». [۸] یِسُود، همچنین، محور جهان و ستون الهی است و نور و قدرت سفیراهای قبل از طریق او به ملخوت (شهریاری) (מלכות)، می‌رسد. شخینا (שכינה) آخرین سفیراست و حضور الهی نامیده می‌شود. عمل پرهیزکارانه باعث پیوند شخینا با تیفئِرت می‌شود. شخینا دختر بینا و عروس تیفئِرت است. ازدواج این دو باعث به وجود

آمدن ارواح آدمی می‌شود. شخینا نگاه‌دارندهٔ دنیای مادی است و گناه آدمی باعث تبعید و دوری او از تیفئِرِت می‌گردد. [۹]

آنچه به صورت موجز در شرح درخت سفیرُوتی آمد بیانگر نمادگرایی زُوهر و قبالاییان در توصیف جهان و مراحل آفرینش است، زیرا حتی اسامی سفیرُوت ساختاری نمادین دارند و هر کدام با یکی از کلمات کتاب مقدس منطبق‌اند، اما باید توجه داشت که زُوهر به ندرت از سفیرُوت و درخت سفیرُوتی نام می‌برد و در عوض برای تبیین نظام سفیرُوتی به مواردی همچون نور، سطوح، بسط‌ها، ریشه‌ها، جامه‌ها و پادشاه و تاج‌های پادشاه، ملکه، انوار، قدرت، روزهای نهایی یا ابتدایی، و وجه‌های درونی خداوند اشاره می‌کند. [۱۰]

بخش آغازین مجلد حاضر با ظهور اِن سوُف و تجلی سفیرُوت آغاز می‌گردد. اِن سُوف همان شعلهٔ تیره‌ای است که از آن رنگ‌های مختلف جریان می‌یابد. زُوهر در بخش «ده سفیرُوت» به تمثیل از کارکرد دیهیم (کِتِر) سخن می‌گوید و ده سفیرُوت را در قالب دریا، ظرف، حوضچه، مجرا و لوله توضیح می‌دهد و نام‌های آن‌ها را برمی‌شمرد: «علت‌العلل {آب} دریا را به هفت ظرف ارزشمند هدایت می‌کند و آن‌ها را شکوه، قدرت، جلال، ظفر، عظمت، شالوده و اقتدار می‌نامد». در اینجاست که به یِسوُد اشاره می‌کند و آن را ستون عالم می‌نامد و این آیه از تُورا را مبنایی برای ده سفیرُوت می‌داند: «مرد عادل بنیاد جاودانی است» (میشلِه (امثال سلیمان) ۱۰:۲۵).

در فصل «خاتمی بر دل» از بسط‌ها سخن می‌گوید و اشاره به پیوندهای سفیرُوتی دارد. زُوهر در بخش «عاشقان تُورا» و «معنای پنهان تُورا» باز هم از استعاره استفاده می‌کند. در این استعاره، تُورا دوشیزه‌ای است که روی خود را به تدریج بر عاشق نمایان می‌سازد و صرفاً بیان‌کنندهٔ مسائل روزمره نیست و بواطنی دارد». «تُورا نیز درونی‌ترین اسرارش را برای کسانی آشکار می‌کند که عاشق او باشند». حتی تُورا کتابی است که معنای ظاهری آن

منظور نظر نیست و معنایی ژرف‌تر را مد نظر دارد: «وای بر کسی که تُورا را کتابی بداند که صرفاً روایات و مسائل روزمره را مطرح می‌کند».

زُوهر با همین رویکرد به شرح تمثیلی داستان یُونا پرداخته و در این راستا اساطیر و نمادهای یهودی را نیز در سایهٔ استعاره معنا کرده است. در این بخش، داستان در شکم ماهی شدن یُونا تمثیلی برای آدمی و روح او در این دنیا تصور شده است. وارد شدن یُونا به کشتی، ورود روح آدمی به جسم است و اتفاقاتی که برای او می‌افتد حوادثی است که روح با آن دست و پنجه نرم می‌کند.

نمادهای گنوسی استعاره‌های دیگری هستند که در داستان‌های زُوهر نمود پیدا کرده‌اند. نماد پادشاه و ملکه، که معنای دو سفیرُوت تیفئِرِت و شخینا نیز هستند، و پسر آن‌ها در زُوهر بسیار تکرار شده‌اند. زُوهر در بخش «تبعید و رستگاری» از تمثیل پادشاه و ملکه سود می‌برد: «تصور کن پادشاهی، به خاطر دلگیری‌ای که از ملکه‌اش پیدا کرده، او را برای مدت‌زمانی از قصر بیرون کند و ملکه پس از سپری شدن آن مدت‌زمان بلافاصله به سوی پادشاه باز گردد»، و در بخش «خاتمی بر دل» به نمادهای پادشاه، ملکه و پسر پادشاه در قالب تمثیل اشاره می‌کند: «پادشاهی پسری دارد. او پسرش را به روستایی می‌فرستد که در آنجا تحصیل کند و با راه و رسم زندگی در قصر آشنا گردد. {پس از چندی،} پادشاه مطلع می‌شود که پسرش بزرگ شده {و وقت آن است که به قصر باز گردد}. پادشاه، از فرط علاقه‌ای که به پسرش دارد، بانو {ی قصر}، مادرش را برای باز گرداندن او می‌فرستد».

دو عنصر خیر و شر یکی دیگر از نمادهای گنوسی هستند که زُوهر در سایهٔ تمثیل بدان‌ها پرداخته است. این کتاب در قالب تمثیل و استعاره برای این دو عنصر جانمندانگاری قائل شده و شخینا و لیلیت را نمادی برای آن‌ها دانسته است.

از دید قبالاییان، شخینا آخرین سفیراست و رابط بین الوهیت و

انسان. دوری شخینا از تیفئِرِت باعث به وجود آمدن بعد تاریکی یا شر می‌شود که در یهودیت به سیترا احرا موسوم است. بعد روشنایی دربردارندهٔ شخینا و یهوه است و بعد تاریکی از شیاطین تشکیل شده است که لیلیت و سَمائِل به‌وجودآورندهٔ آن هستند. مُشه لئونی، در بخش «جهان: پوسته و مغز»، با اشاره به کتاب قِهَلِت (جامعه)، به شر و بُعد تاریکی اشاره کرده است «و سرور و شادمانی بنی‌آدم از شیاطین مرد و زن است» [قِهَلِت (کتاب جامعه) ۲:۸]. [۱۱] در نظر او، جن و شیاطین به بعد شر و بدی اختصاص دارند.

تفسیر تلمودی یکی دیگر از چهار سطح معنایی است که در زُوهر بدان پرداخته شده است. مُشه لئونی در نوشتن زُوهر سعی داشته اثری همانند تلمود و میدراش‌ها بیافریند. از این روست که ساختار ظاهری زُوهر به گونه‌ای است که به ادبیات حاخامی نزدیک است. این جملات یا ساخته و پرداختهٔ ذهن لئونی بوده‌اند و یا ارجاعاتی مستقیم به میدراش‌های کهن‌اند. به عنوان مثال، در این مجلد و در بخش «سرنوشت روح»، وقتی خداوند از روح می‌خواهد وارد بدن شود، روح با اکراه می‌پذیرد. این بخش از زُوهر در کتاب تواریخ ایام یَرَحمِئِل[1] با تفصیل بیشتری تکرار شده است. در بخش «ضیافت باشکوه» و هنگام توصیف مفارقت روح از بدن بیان می گردد که در بهشت به روح جامه‌ای عطا می‌شود و روح با شادمانی آن را در بر می کند. این بخش نیز در کتاب تواریخ ایام یَرَحمِئِل با کمی تغییرات بیان شده است. [۱۲] کتاب تواریخ ایام یَرَحمِئِل کتابی است که در قرن چهاردهم به رشتهٔ تحریر درآمده است. گستِر[2] در سال ۱۸۹۹ این کتاب را از آرامی به انگلیسی ترجمه کرد و در مقدمهٔ مفصل این کتاب اصل و منشأ آن را به قرون پیش‌تر نسبت داد. گستر بر این باور بود که این کتاب، همانند سفرها یاشار[3]، از

1. Chronicles of Jerahmeel
2. Moses Gaster
3. Sefer haYashar

منابع کتاب ایزیدور سویل[1]، عالم و قدیس قرن ششم و هفتم میلادی، استفاده کرده است. [۱۳] از آنجا که بر طبق گفتهٔ شولم، سفرها یاشار یکی از منابع مُشه لئونی بوده است [۱۴]، دور از ذهن نیست که لئونی از کتاب تواریخ ایام یَرَحمِئِل و یا میدراش‌هایی استفاده کرده باشد که بن‌مایه‌هایی مشترک با این کتاب داشته‌اند.

آنچه گفته شده صرفاً اشاره‌ای است به نوع استعاره‌هایی که مُشه لئونی و نویسندگان بعدی او در خلق زُوهر از آن استفاده کردند. تحقیق جامع‌تر مجال بیشتری می‌طلبد و زُوهر در مقام کتابی ادبی و ملهم این مجال را به هر آن کس که خواستار چنین تحقیقی باشد می‌دهد. به رغم آنکه شولم، در ترجمهٔ این کتاب، خواننده را در دریافت معنای عبارات آزاد گذاشته، مترجم کنونی لازم دید دربارهٔ برخی عبارات زُوهر در مقام متنی که قرن‌ها تفکر و تتبع را در خود حفظ کرده است شروح مختصری بنگارد. با این کار، او بر آن بود که جایگاه زُوهر در نزد پژوهشگرانی که با این متن آشنا هستند و کسانی که فقط نامی از این اثر سترگ شنیده‌اند بیش از پیش آشکار شود. مترجم با خشنودی پذیرای نظرات و پیشنهاداتی است که می‌تواند کاستی‌های این اثر را مرتفع سازد و در ترجمهٔ مجلدات دیگر از زُوهر مؤثر باشد.

نوشته‌های داخل آکولاد، پی‌نوشت‌ها، منابع و افزودن کلمات و اصطلاحات عبری همه از مترجم حاضر است. پی‌نوشت‌های شولم به صورت پاورقی در هر صفحه آورده شده است. همچنین در ترجمه‌های آیات کتاب مقدس از ترجمهٔ تفسیری کتاب مقدس استفاده شده است.

در اینجا مایلم از خواهرم تشکر کنم که اگر پیگیری‌های بی‌شائبهٔ او نبود، ترجمهٔ این کتاب هرگز به منصهٔ ظهور نمی‌رسید. همچنین از استاد عزیزم جناب دکتر سالکی که ترجمهٔ این کتاب را به من پیشنهاد دادند، از کلیهٔ دست‌اندرکاران انتشارات علمی و فرهنگی نیز کمال تشکر را دارم.

---

1. Isidore of Seville (560 - 636)